



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: لو نکح المریض/ارث زوجه/میراث الأزواج.
 بحثمان در این بود که اگر مردی درحالی که مریض است با زنی ازدواج کند در صورتی که به او دخول کند صحیح النکاح و ثبت المیراث و این لم یدخل بطل النکاح ولا میراث بینهما و گفتیم که صاحب وسائل اخبار مربوط به این مسئله را در صفحه ۵۳۷ از جلد ۱۷ وسائل الشیعة ۲۰ جلدی و در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج ذکر کرده که سه خبر در این باب ذکر شده که هر سه صحیح می باشند و باعث ایجاد یک مسئله فقهی بسیار مهمی شده اند.

امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة در این رابطه اینطور فرمودند: «مسألة ۳ : لو نکح المریض في مرضه، فإن دخل بها أو برأ من ذلك المرض يتوارثان، وإن مات في مرضه ولم یدخل بطل العقد ولا مهر لها ولا میراث، وكذا لو ماتت (زن) في مرضه ذلك المتصل بالموت قبل الدخول لا يرثها (مرد از زن ارث نمی برد)، ولو تزوجت وهي مریضة لا الزوج فمات أو ماتت يتوارثان، ولا فرق في الدخول بين القبل والدبر، كما أن الظاهر أن المعتبر موته في هذا المرض قبل البرء لا بهذا، فلو مات فيه بعلة أخرى لا يتوارثان أيضا، والظاهر عدم الفرق بين طول المرض وقصره، ولو كان المرض شبه الأدوار بحيث يقال بعدم برئه في دور الوقوف فالظاهر عدم التوارث لو مات فيه والأحوط التصالح»^۱.

مرحوم نراقی در مستند الشیعة فروعاتی را بر مسئله "لو نکح المریض" تفریع کرده و در یکی از فروعاتش بر خلاف کلام امام رضوان الله علیه فرموده: «ه : لو ماتت هي في مرضه قبل الدخول والحق أنه (مرد) يرثها (زن) ؛ للأصل والاستصحاب والعمومات»^۲ و همچنین صاحب ریاض نیز در جلد ۱۴ صفحه ۳۹۱ در فرع مذکور فرموده مرد از زن ارث می برد، خلاصه این مسئله بر می گردد به اینکه ازدواج را چگونه تعریف کنیم.

روایات ما گفتند اگر مرد دخول کرد ارث وجود دارد و اگر دخول نکرد لا میراث بینهما منتهی در اینجا این بحث وجود دارد که عقد چگونه منعقد شده که خب ظاهرا از لحاظ موازین و شرایطی که برای عقد ذکر شده مشکلی وجود ندارد و عقد صحیحاً واقع شده و زوجیت محقق شده ولی خب آن سه خبر صحیح که در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج ذکر شده می گویند و این دخل صحیح النکاح و إلا فنکاحه باطل، با توجه به این مطلب سه مبنا و سه قول در اینجا بوجود آمده:

قول اول: عقد من رأس باطل و کإن لم یکن می باشد والقائل به السيد الخوئی فی منهاج الصالحین.

قول دوم: این عقد مثل عقد فضولی می باشد یعنی صحت تأهلیه دارد تا زمان دخول و با دخول صحت فعلیه پیدا می کند و دخول کشف می کند که از زمان وقوع عقد صحیح بوده و آثار بر او مترتب می شود والقائل به صاحب الجواهر، با توجه به این مبنا صاحب جواهر در فرعی که ذکر کردیم نیز فرموده اگر در حال مرض مرد و قبل از دخول زن بمیرد مرد از او ارث نمی برد و بعد ایشان یک کلمه ای دارد و می فرماید ما

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی (رن)، ج ۲، ص ۳۹۷، مسئله ۳، ط نجف.

^۲ مستند الشیعة، ملا احمد نراقی، ج ۱۹، ص ۳۹۲، ط آل البیت.

ما قائلیم که اگر شوهر دخول نکند نکاح باطل است و اثری ندارد درحالی که شما می خواهید بگوئید اگر در همان حال مرض مرد، زن فوت کرد مرد از او ارث می برد و این یعنی اینکه از یک طرف بگوئیم عقد صحیح است (یعنی بگوئیم از طرف زن عقد صحیح است و وقتی قبل از دخول فوت کرده مرد از او ارث می برد) ولی از طرف دیگر بگوئیم عقد باطل است (یعنی بگوئیم از طرف مرد عقد باطل است و وقتی در حال مرض و قبل از دخول مرد فوت کرده زن از او ارث نمی برد) خب نمی شود یک عقدی که بین دو نفر واقع شده از یک طرف همان عقد صحیح باشد ولی از طرف دیگری همان عقد باطل باشد که این یک بحث مهم و بزرگی می باشد.

صاحب عروة در اول عروة در بحث اجتهاد و تقلید در مسئله ۵۵ فرموده ممکن است عقدی از یک طرف صحیح و از طرف دیگر باطل باشد مثلاً مجتهدی گفته عقد باید به زبان عربی خوانده شود ولی مجتهد دیگر فرموده عقد به زبان فارسی نیز صحیح می باشد حالا عقد بیعی واقع شده و من عربی خوانده ام ولی شما فارسی خوانده اید که در اینجا تمام محشین فرمودند اشکالی ندارد .

قول سوم: عقد وقتی واقع شد صحیح است و آثار فعلی دارد منتهی عقد متزلزل است و ما منتظر می شویم تا با دخول لزوم پیدا کند مثل عقد بیع که خیار برای او قرار داده شده است والقائل به صاحب الریاض والشهید فی المسالک و المحقق النراقی فی المستند الشیعة.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین